شروع شهرنامه (۶)
شروع داوری دینی

جوقت الإسلام محمد سروش محالیت

۱- استناد حوزه علمیه قم و عضو هیات علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

خلاصه

تبعیت از متخصصین احکام دینی، این مطلب مانند مراقبه به هر متخصص دیگر، امری کاملاً عقلانی و منطقی است که تقلید نام نهاده شده است. آنچه در این مبان مورد بحث است، قلمرو این تقلید و تبعیت می باشد. واقعیت آن روش عقلانی و منطقی به درستی مورد تحقیق قرار گرفته، همکارانی که ان بحث دریافت می شود، مثال واقعی آگاهی برخی از شهرنامه از موضوع مشابه (و نه احکام) دریافت باشد داوری آن در این زمینه معتبر خواهد بود. اگر آن استنباطی نقص از سوی آن صورت گیرد، در واقع حفظ روش عقلانی تقلید با حفظ احترام و قهر صورت می پذیرد.

کلیدوواژه: تقلید - مجتهد - شهرنامه - داوری - موضوعات جدید

نویسندگی: جوقت الإسلام محمد سروش محالیت، حوزه علمیه قم و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

e.mail: m.soroosh.mahallati@gmail.com

طرح سوال

در جامعاتی که بر اساس دین ادای می شود و مردم از شریعت تبعیت می کنند، فرآ آخکام دینی و حال و حرم خدا از سوی عالمان صاحب نظر که همان مجتهدهای می باشند، بین می شود و شهرنامه احکام را از آن آن فرا می گیرند و بر طبق آن عمل می کنند که اصطلاحا به آن تقلید می گویند، ولی یا این بدان معتناست که توجه مردم به طور کلی از داوری بینی درباره موضوع محرمان و عمل شهرنامه حق دارد داوری حال و حرام در هیچ موردی اطلاع کند و پیروی باشد مدلانه، چشم به بیان مجتهدهای بدون دنیای و یا اینکه مردم، یعنی همان مدلن هم در قلمرو مسائل خاصی می توانند نظر دهند و آن نظر دینی اعتبار دارد؟ در این صورت محدودیت این قلمرو را چگونه می توان مشخص کرد؟

بررسی و تحقیق

پاسخ این سوال مانند بسیاری سوالهای دیگر مرتبط با آن، به بحث جدیدی "قلتو تقلید" برای گردید که پیشتر نیز اشاراتی به آن نش دارد. در اینجا از چهار موضوع توضیح داده می شود که در این موارد داوری خود مردم معتبر است و تبادل به دلیل آنکه در مسائل دینی مجتهد و صاحب نظر نیستند، نظر داوری باید ناگهان اعطا گردد. داوری در این موارد از نوع "نظر" در کتاب و سنت نیست که به تخصص در ابتدای نظر نیازی باشد و مدلان از آن محرمان باشد.

- بسیاری از "بهداهنده نویسندگان" و موضوعاتی جدید در حوزه فرهنگ، اقتصاد و غیره موضوعاتی است که آن مدل، خود می تواند درباره حکم شرعی آن نظر دهد و اگر حکم آن را از مجتهدهای میرسد در اثر ترک تقلید جاهاله ای است!

- مثال "مادریه" یک دیده بیاننی است و حال و حرم بودن آن یک مسئله جدید تلقی می شود. ولی آیا واقعا در این باره، مجتهد به فصل در کتاب و سنت می پردازد تا با صراحت یک کتاب، چیزی درباره مادریه بیپا کند؟ تا کفته شود این فصل و جستجو یک کار
صد درصد تخصصی است و از غیر متجه بر نمی‌آید؟ چگونه زیرا ماهواره‌ها از نقطه نظر فقهی، یک موضوع جدید نیست. فقهی وقتی درباره ماهواره‌های اظهارنظر می‌کند بر این می‌باشد که هرچه موجب فاساد است، خرید و فروش آن حرام است. فقهی این حکم را به "اصطلاح همگانی" تطبیق می‌دهد و ماهواره را جوهر ابزار فاساد می‌داند. فتا و حکم آن می‌دهد: (با توجه به آن چه مطابعی می‌گویند براندازه‌ی ماهواره اکثرًا موجب شیوع فشخش و منکر مخصوصاً در رابطه با نسل جوان باشند، لذا خرید و فروش و نصب آن‌ها ماهواره‌ای نیست) (و) در همین "تطبیق به مصایق" ممکن است. فقهی دیگر به نتیجه دیگر برسد که "چون خرید و فروش آتات مشترکه که کابرد در حال حرام دارد - بلانسان است. لذا خرید و فروش ماهواره حرام نیست، (خرید و فروش از واقعه ماهواره ... اشکال ندارد.) (۲)\

در است که در هر دو اظهارنظر، ظاهرًا مجیح به حکم یا حالت ماهواره «فتوی» داده است، ولی در «واقعه» هیچ فتوای در این باره صادق نشده و مجیح فقط درباره یک "مصایق" اظهار نظر کرده. اظهار نظر اول این است: "ماهواره‌ی غیر قانونی یا به کار می‌رود، و اظهار نظر دوم این است: "ماهواره‌ی ابری با دو کابرد خوب و بد است". اینک می‌توان پرسید که آیا این دو نظر در مورد ماهواره قرار دارد؟ در این دو نظر است. اینک می‌توان معتقد کرد که یکباره به این روش اظهارنظر کنید؟ آیا سیاست این معتقد کارکرد ماهواره است؟ این نظر به این است که این ابزار مشترکه چیست؟ و سپس مقتضیان ابزار تخصصی خود از ابراز مختلف مانند آندراو ماهواره آ که آیا آن مختص به فاسادانه که در حواله باشد، یا مشترکانه تا حواله باشد.

به همین دلیل است که قطعی آیین آنه سیستماتی در این باره به دلیل آنکه به شکل مبنا مستند را مطرح می‌کند و به شکل مصایق درباره هر یک از این ابزارهای نظر نمی‌دهد. دارای ساختار است. ایشان پس از تکلیف آنچه که برای استفاده حرام تولد می‌شود مثل آلوده شاخص است. فتا و حکم این اولین اقامت می‌نماید. رفتار درباره آن ابزارها اشاره می‌کند و درباره نوع اول وقتی به حکم و درباره نوع دوم وقتی به حکم برای منافع حلال می‌شود. (التجزیج الاجزاء) هر چه که آلوده بحث مادر بوده‘ حکم درباره آن ابزار مشترکه چیست؟ و سپس به نمایش در واقعه ماهواره ای یا آندراو ماهواره آ که آیا آن مختص به فاسادانه که در حواله باشد، یا مشترکانه تا حواله باشد.

۲- در سیاستی از رفتاری که به عنوان دین صورت می‌گیرد و حتی گا به عنوان "واجی" معرفی می‌شود، به تخصص "شیوه‌ها و رویه‌ها" مربوط می‌شود. مردم در این قصر واقعیت اطلاعات، انجمن می‌باشد و نباید در این باره اظهارنظر کرده باشند. فتا و حکم این چنین اقامت می‌نماید. رفتار درباره آن ابزار با نسبت به "ولیعف امر" معرف و نهی از منکر" تلفیق می‌کند. و در روشن است که "دستگیری" فرد بحاجاب، یک "حکم شرعی" نیست و در این باره نص خاصی وجود ندارد. در این کار، "شیوه‌ها" از نهی از منکر است و از سوره ذخیره، همه فتا اظهار ندارند که در نهی از منکر باید از شیوه مفید استفاده کرد. شیوه‌ها که عوارض منفی جهان‌تان دارد و فرد را به انجام رفتار تلافی جوانی و ارتباط منکر بیشتری ایجاد نمی‌کند. به تبع دقت اظهارنظر، ادامه کردن یکی از شیوه و جوگاه معروف می‌باشد. این است که این ابزار مشترکه چیست؟ و سپس به نمایش در واقعه ماهواره ای یا آندراو ماهواره آ که آیا آن مختص به فاسادانه که در حواله باشد، یا مشترکانه تا حواله باشد.

دنبال اصلاح آن براید.
بحث: اسلام محمد سروش محققی

"معنای اینکه منطق وارد امر به معروف ونهی از منکر شود این است که حساسیت کرده پیدایش در چیزی سببی دارد و همچنین عدم رشد و نشو یک چیز سببی دارد. باید معروف بیان کرد که معروف اینجا از منکر شود. در صورتی که معروف این است، منطق این است که مراز اجتماع به دست آید، چرا با این دیده گرفته و از معروف سزازی زده است. نظاراً چند "بنده" و "چند" دیگر شناخته شده، به همه چهت اعتقاد بر این است که اینجا باید بنده تحکم آمیز کرده و بعد هم اعمال زور و جر کر، باید قبل کرده غیر از بعد و منطق دیگری هم است که صحیح است."(5)

بر این اساس اینکه در جامعه امرآزم دانش شیوه مدیت و آیآ برخوردی به فیزیکی در زندگی امرآزم و برای نسل امرآزم، یک "شیوه مفید"، تلقی می‌شود یا نه، خارج از قلمرو قفق و تشخیص تخصصی فقهی است. در این زمینه کارشناسان مسائل اجتماعی، می‌توانند نظر داده و شباهت‌های کارآمد را تعیین کنند و سمله جنبه تلقیه و معنی‌نامه‌ای از این روا، شهر هورنها و می‌توانند داوری کنند که آنچه در جامعه اتفاق می‌افتد و حرفاننه از منکر دارد ایا واقعاً "نهی از منکر" است یا یا خود منکری است که به‌پای جلوگیری از آن کرده؟ مقدار، شرایطی منکر را به طور کلی از اینچی می‌کنند، ولی "شکل جذاب" درباره شرایط عمرو و زمان رویش و شباهت‌های مدیت و مؤثر، خود نظر می‌دهند و این نظر مورد اعتبار است. آن‌ها حق دارند یک‌واکه یک این شباهت‌ها را کاردست دینی است (معنی منطقی) و یا یا غیر‌بنی (و غیر منطقی)، چه اینکه می‌توانند، بگویند این روش‌ها موجب "جدب به دنب" یا بعثه "رفع آن دنب" می‌گردد.

بخش یک از طرح‌ها که در جامعه اسلامی به اجرا کناره‌گیری می‌شود و با پیش‌بینی اسلامی معرفی می‌شود، تلقی از حکم شرعی با "تدریس بشری" است. نه آنکه در شعر آن "طرح" عیان ارائه شده و محقی از "فقه" عیان است. مثل "با کارناک اسلامی" در ایران یک طرح اسلامی به حساب می‌آید. در حالی که در قله طرح خاصی برای "بیان" وجود دارد، آنچه در قله قرار دارد حکمی به عوامل "حمرت ریا" است که حضور یا به حفظ ریا، در صدر آن برآمدته که با استقلاست از عقولی مثل ضریحی ضمن تأکید هریهای بانک، راهی برای موسوم صحابان سرپرده آورند و به این وسیله خواسته‌اند نشان دهند که در جامعه اسلامی هم، بدون ریا می‌توان اهداف گیکی بانک را مانند نظام‌های دیگر تأمین کرد. ولی داوری درباره اینکه آیا ایک طرح در جامعه موقع بوده و اهداف مورد نظر را تأمین کرده است یا نه، یک بحث فوق‌البته و شهر حورنها باید درباره کاردک بانک در کشور داوری نمایند. این‌ها حداکثر نظری که درباره این طرح می‌دهند آن است که "محافظ اسلام نیست"، یعنی مشکل روابط بین در طرح دیده شود، ولی آنان درباره کاردک طرح و آثار مهمی و منفی در اقتصاد کشور و نظام بولی می‌توانند نظر دهد. این نظری که "طرح اسلامی" در عرض قضاوت شهر هورنها - غیر مجمد - قرار دارد و آنها صلاحیت دارند تا درباره آن نظر دهند. بسیاری از قضاوت شهر هورنها به خصوص‌کارشناسان، به این حق خود نتوانند نشانده و کسان می‌پندان که وقت طرح اسلامی تیزی، صلاحیت داوری درباره آن به مقایسه اخلاق می‌پیوند. مبنای معنی اسلام با اسلام است و صرف عدم مخالفت. مرکز به معنی تأکید نیازهای جامعه و انطباق با مصالح عمومی مردم نیست و شهر هورنها باید بر اساس درک صحیح خود در این باره نظر دهند. چنین محول کردن این یک بخش اساسی به منشأین فقه کاری ناکافیده است.

4 علاوه بر واحد فوق که شهر هورنها با حفظ حریم قلاع و عدم مرور بال قلمرو استبیاب و بودن موردی درباره حکم شرعی، به صورت اثرگیری درباره برخی مسائل دینی اظهار نظر می‌کنند، موردی که وجود دارد که شهر هورنها - بدون توصیه اخلاقی - حق داوری درباره درست یا نادرست بودن یک "حکم" را دارند. توضیح آنکه حکم شرعی در اینجا به معنی محاصل استابت و کاره اخلاقی فقیه است و می‌توان انکار کرد که گاهی شهر هورنها می‌توانند اینکه در این استبتبدی اشتباهات خود را و حکم استبتبدی شده، معوب است. ریشه این فهم آن است که اگر حکمی ناظر به حل یک مشکل دینی و در جهت تعیید یک واقعیت
شروع شوروندی (4)

در قرآن که هرکسی از قزوینیان و شیرین‌دستانی خواسته مشترکت هرکسی از ملتی که این مرزهای توحید، نظر و راهبدایی شوروندی و جهل دارد، واکنش خود را دارد. در حالی که بیچاره این مرزهای توحید، نظر و راهبدایی را که بی‌توجهی به پیشگویی کرده و تبریور را به ان‌ها سپرده، در حالی که حق‌الله را دیگران ترازیح کرده، بدون شک از این‌ها غیر

مجله دندانپزشکی جامعه اسلامی دندانپزشکی ایران، 43، شماره 4، 1391
بحث: سیطره به‌ین که به کاهش قدرت دولتی و دانشگاه‌های دیگر و فشار بر ارتباطات مختلف می‌انجامد، در آسیب شناسی حکومت اسلامی

باشد مورد بررسی چندی قرار گیرد.

منابع

1- فاضل لنکارانی، محمد. جامع المسائل ج. ۱. قم: امیر گلیم، ۱۳۸۶.
2- صافی کلایکنی لطف الله. جامع الاحکام ج. ۱. قم: انتشارات حضرت مصوبه (س)؛ ۱۳۸۶.
3- سیستاتی، سید علی. مهاری اصلی‌الحکایت ج. ۲. قم: دفتر آیت الله سیستاتی؛ ۱۳۸۷.
4- مطهری، مرتضی. ده گفتار. تهران: صدرا؛ ۱۳۸۴.
5- مطهری، مرتضی. ایرانی‌شتهای استاد مطهری ج. ۱۰. تهران: صدرا؛ ۱۳۸۵.
6- حکیم، حسن بن يوسف. قواعد الاحکام ج. ۲. قم: دفتر انتشارات اسلامی؛ ۱۳۸۴.
7- حکیم، مصطفی. التثقيف الاحکام ج. ۲. قم: کتابخانه آیت الله مرتضی نجفی؛ ۱۳۸۴.
8- کاشف الغطاء، جعفر، شرح الشیخ جعفر. شرح الشیخ جعفر را که شیعه العلیه ابن المطهری، مؤسس کاشف الغطاء، ناجی؛ ۱۳۸۴.